

فهرست

۱۱	مقدمه
۱۵	بیژن ترقی از دیدگاه گروهی از شاعران و نویسندگان معاصر
۱۶	مقدمه‌ای گذرا بر سیر تحول تصنیف و آواز منوچهر همایون پور
۲۸	پاسخ تبریک عید استاد ادیب برومند
۲۹	شاعر ترانه‌های ناب و خیال‌انگیز مهرداد اوستا
۴۱	سراینده ترانه برگ خزان حسینعلی ملاح
۴۲	اشعار و ترانه‌های بیژن ترقی محمد کلاتری (پیروز)
۴۲	از پشت دیوارهای خاطره استاد احمد سمیعی
۴۳	ترانه‌سرایی در ایران شهرزاد فیضی
۴۹	نفسی با چکامه‌خوانی برگریزان بهمن سمیعی
۵۲	کتیبه عشق امین‌الله رضائی نقاش و هنرمند
۵۳	آتش کاروان
۳۱۹	لطیفه‌ها، طنزها، مشاعره‌ها، اخوانیات
۴۱۱	ترانه‌ها
۴۱۲	در زمینه تصنیف و ترانه استاد احمد ایزدپناه
۵۴۴	فهرست اشعار

که ارتباط موروثی با کتاب و شور و عشقی چشمگیر به مصاحبت با صاحبان قلم داشته است. بیژن در انتشاراتی پدر که نام خیام را بر خود داشت، با مشاهیر ادب ایران، از جمله: استاد شهریار آشنا شد و نیز توانست با بزرگانی نظیر: ملک الشعرای بهار، نیمای نام‌آور، امیری فیروزکوهی و عده کثیری از سخن‌سرایان بنام، هم‌سخن شود. در این زمان بود که او نیاز به سرودن را در خود احساس می‌کند و آغازگر راه این بیت است:

گره مگری که دائم شمع را بر دامن است

می‌فرید عاقبت آن ساده‌دل پروانه را

بسیار مورد تشویق استاد شهریار واقع می‌گردد.

در هنگام تحصیل، بیشتر وقتش صرف مطالعه متون ادبی می‌شود، و به تشویق امیری فیروزکوهی دست به مقابله و تصحیح دیوان صائب تبریزی، کلیم کاشانی و حزین لاهیجی، از شعرای سبک هندی می‌زند، که تا آن روزگار در ایران به چاپ نرسیده بود. از آغاز جوانی علاقه به فراگیری موسیقی داشت و گاهی دستی به پرده‌های گمشده ویلن می‌برد، تا اینکه دست سرنوشت او را با پرویز یاحقی آشنا کرد، تا آن‌همه ترانه‌های به یادماندنی و پرخاطره، حاصل نیم قرن دوستی آنها، به یادگار بماند.

به اعتقاد وی، ترانه‌سرا ناگزیر است با زبان موسیقی و اسرار نهفته در ملودی‌های آن آشنا باشد و بداند چه سوژه و مضمونی، بر روی چه آهنگی مناسب‌تر است. وی بعد از سال‌ها تجربه، دریافت که مضمون شعر هر آهنگی در دل آن آهنگ نهفته است، و این ترانه‌سرا یا شاعر با تجربه است که مضامین آن را هنگام شنیدن ملودی‌ها درمی‌یابد و از دل آهنگ بیرون می‌کشد. مثلاً اگر به ترانه: «آتش کاروان» توجه شود، شنونده قبل از اینکه به شعر برسد، درمی‌یابد که آهنگ، ریتم کاروانی دارد.

او قبل از پرداختن به ترانه‌سرایی، متوجه شده بود که اکثر ترانه‌های آن ایام، در یک قالب تکراری: در مورد بی‌وفایی معشوق، جور رقیب، قامت سرو یار، غنچه لب، چشم نرگس، و نظایر آن سروده می‌شود، سپس به این نتیجه می‌رسد که باید طرحی نو درافکند و دست به دامن طبیعت زد و سببل‌هایی از نقش‌های طبیعی را برای ترانه‌هایش برگزید، تا ترانه‌ها رنگ و بو و عطر تازه‌تری بیابند. وی با دیدی زیباشناسانه، عبرت‌آموز، عمیق

گل دلیلی است که تا قدرت حق را نگریم
بهر چیدن نبود علت رویدن گل

گریه می‌گیردم از بیهده خندیدن گل
که همین خنده شود سبب چیدن گل
چه نیاز است به چیدن، که دل‌انگیزتر است
بر سر ساقه فیروزه‌نشان، دیدن گل
چمن و باغ و درختان همه در وجد آیند
زین به هر سوی گراییدن و رقصیدن گل
آنقدر زود شود پرپر و بر باد رود
که نماند به کسی فرصت بوییدن گل
می‌شکستند که دستی سوی هر گل نرود
می‌شنیدند اگر نغمه نالیدن گل
گل دلیلی است که تا قدرت حق را نگریم
بهر چیدن نبود علت رویدن گل
بسکه از نازکی ساعد گل می‌ترسم
گریه می‌گیردم از بیهده خندیدن گل

زمستان ۱۳۵۵

Shiraz-Beethoven.ir

* شبی با دست شکسته دردناک در کنار دسته گلی که خواب از چشمم ربوده بود، این غزل را سرودم.

در جستجوی آن گل شرمی که یک روز
یادم نیاید در کجایش دیده بودم
از سوسنستان شفق تا باغ خورشید
از گونه گرم شقایق‌های وحشی
تا سرخ‌فام عارضین ناز و قرنفل
با پای حیرت در پی‌اش گردیده بودم

* * *

شبهای رؤیایی مهتاب
در خلوت سکرآور باغ
از روزن پراهنزاز شاخساران
آویخته از میله‌های نور مهتاب
بر خوابگاه شیله‌رنگ گونه‌ها،
تاییده بودم

از بوسه گاه بکر هر گلگون بناگوش
کز نام بوسه، رنگ می‌باخت
یک گل به چشم مهربانی چیده بودم
صد بار رنگ شرم‌ها را
با یکدگر سنجیده بودم

* * *

تا شرم را در چشم نازآلود نرگس
در اولین صبح شکفتن دیده باشم

■ مرغ شباهنگ

(در چهل ستون اصفهان)

آن شب صدای دل‌انگیز او در

عمارت چهل ستون پیچید:

بخوان خدای را بخوان گره‌گشای را بخوان
مگر نوای مرغ حق ثمری بخشد به ما صفای عالم دگری بخشد
برآور ای نشان حق ز دل آوازی مگر که بر دعای ما اثری بخشد

چو من در این سکوتِ شب توئی ز شب نخفتگان

که حق عیان نمی‌شود به چشم خواب‌رفتگان

بخوان خدای را بخوان

گره‌گشای را بخوان

Shiraz-Beethoven.ir